

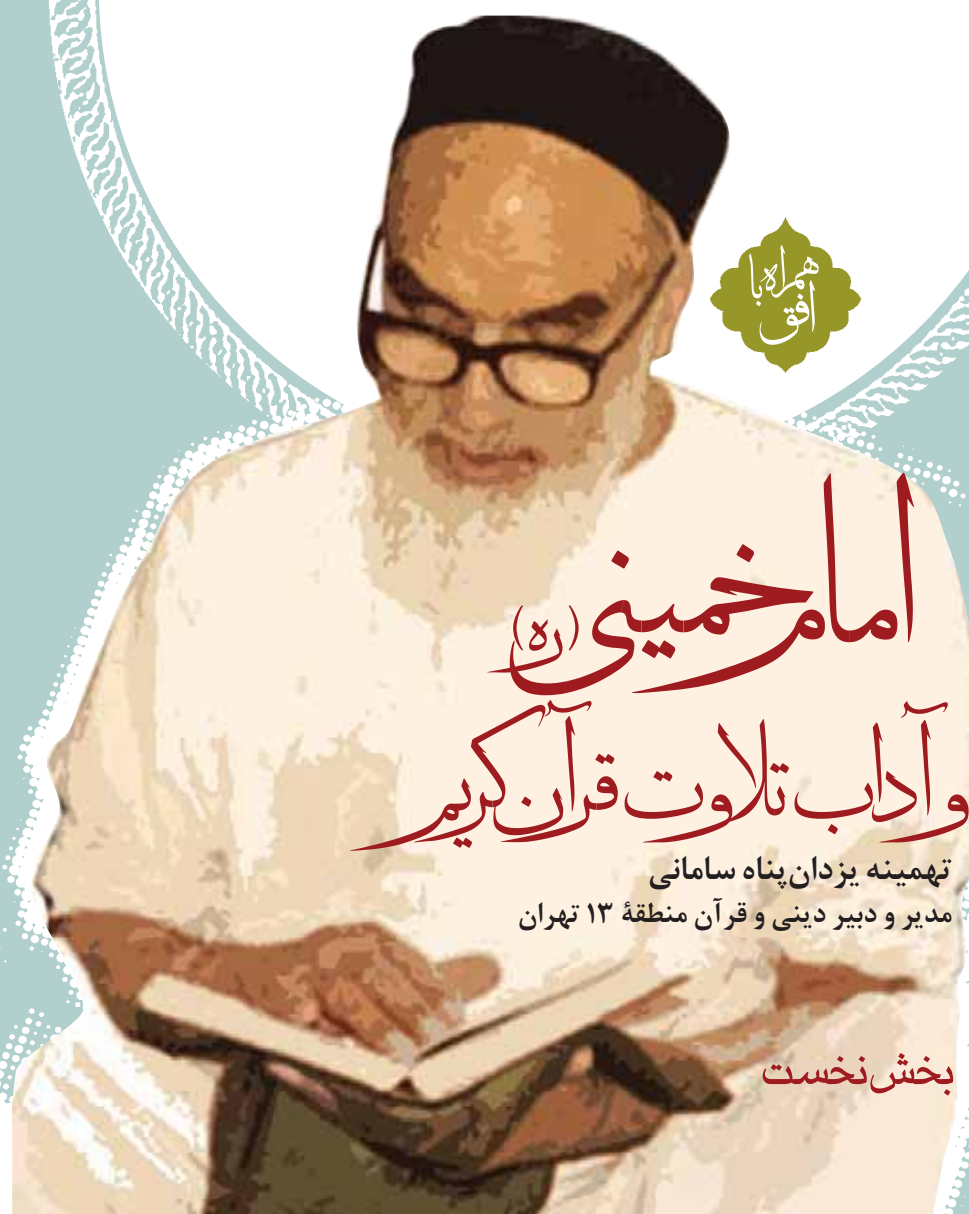
اشاره

حضرت رسول اکرم (ص)
می فرمایند: «کسی که می خواهد خدا با او سخن
بگوید، قرآن بخواند.»

هم چنین می فرمایند: «بهترین شما کسی است که قرآن را می آموزد و
آن را آموزش می دهد.»

همان طور که می بینیم، یکی از وصایای رسول اکرم (ص) وصیت به تلاوت قرآن است و
فضیلت تلاوت و حفظ، حمل، تمسک، تعلم، مداومت و تدبیر در معانی و اسرار آن بیش از آن
است که به فهم قاصر ما برسد و در این مبحث کوتاه بگنجد. ولی به قصد تقرب و بهره‌مندی از آثار و
برکات تلاوت قرآن کریم، به بیان آداب تلاوت قرآن از دیدگاه حضرت امام (ره)، می پردازیم.

کلیدواژه‌ها: آداب تلاوت، ظاهری، باطنی، صلوات، استعاذه



امام خمینی (ره) و آداب تلاوت قرآن کریم

تهمینه یزدان پناه سامانی
مدیر و دبیر دینی و قرآن منطقه ۱۳ تهران

بخش نخست



«آداب تلاوت قرآن به دو دسته «آداب ظاهری» و «آداب باطنی» تقسیم می‌شوند. طهارت ظاهری، وضو ساختن، پوشیدن جامه پاک و سفید، نشستن به سمت قبله و رعایت ترتیل از آداب ظاهری تلاوت هستند. بعضی از آداب تلاوت علاوه بر ظاهر، آداب باطنی را نیز شامل می‌شوند؛ مانند صلوات، استعاذه و بسمله.»

امام خمینی (ره) علاوه بر موارد فوق، آدابی باطنی را برای تلاوت مطلوب قرآن کریم عنوان کرده‌اند که در این مقاله به بررسی این موارد می‌پردازیم.

در قرائت قرآن کریم مطلوب آن است که در قلب، صورت باطنی آن نقش بندد و اوامر و نواهی آن تاثیر کند و دعوت‌های آن جای‌گزین شود و از نظر عرفا این غایت حاصل نمی‌شود، مگر آن که آداب تلاوت لحاظ شود و توسط قاری رعایت گردد. مقصود از آداب، آن نیست که پیش‌قاریان متداول شده است؛ به طوری که هم و غم قاری فقط به مخارج الفاظ و ادای حروف و رعایت تجوید معطوف شود، تاحدی که به غفلت از معنی و تفکر در آن بینجامد. این یکی از کیدهای شیطان است که انسان متعبد را تا آخر عمر به الفاظ قرآن سرگرم می‌کند و از سر نزول قرآن و از حقیقت معارف والای آن به کلی غافل می‌کند. تازه بعد از ۵۰ سال قرائت، معلوم می‌شود که از شدت تغلیظ و تشدید در آن، از صورت کلام به کلی خارج شده و صورت غریبی پیدا کرده است، بلکه مقصود آدابی است که در شریعت مقدسه منظور شده است که عمده آن‌ها تفکر و تدبر و اعتبار به آیات آن است.

۱. صلوات

صلوات، نشانه محبت، مودت و وفاداری به خاندان پیامبر گرامی اسلام است که قرآن آن را اجر رسالت پیامبر دانسته است. صلوات صیقل‌دهنده روح زنگار گرفته است^۱ و نفاق را از بین می‌برد.^۲ صلوات عاملی برای محو گناهان^۳، وسیله‌ای برای گشایش درهای آسمان^۴، سبب استغفار و دعای فرشتگان در حق انسان^۵، و وسیله‌ای برای تقرب به پیامبر در قیامت و دریافت شفاعت اوست^۶. خوش‌عاقبت کسی است که آخرین کلامش در دنیا صلوات باشد.^۷

یا اهل بیت رسول‌الله حکم
فرض من الله فی القرآن انزله
کفاکم من عظیم‌القدر انکم
من لم یصل فلا صلوه له

امام خمینی (قدس سره) در این باره می‌فرماید: «از آداب مهم تلاوت قرآن، معرفت حرمت رسول اکرم (ص) است که بنده مومن باید به قلب بفهماند که اگر وجود نازنین آن

سرور نبود، کسی را راه به عبودیت حق و وصول به مقام قرب و معراج معرفت نبود. پس باید توجه داشت که رفیق و مصاحب راه معرفت، حضرت ختمی مرتبت (ص) و معصومین از ائمه اطهار (ع) هستند و آن‌ها ولی نعمتان و ابزار نزول برکات حق و وسایل وصول هستند.»^۸

۲. استعاذه

امام (ره) یکی از آداب قرائت قرآن را استعاذه به خداوند از شیطان رجیم بیان می‌کنند. یعنی قاری قرآن باید ابتدا از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد، چراکه شیطان در قرآن قسم یاد کرده است که: بر سر راه فرزندان آدم قرار می‌گیرم و آن‌ها را از صراط مستقیم که همان مسیر کمال، هدایت و انسانیت است، دور می‌کنم. قاری قرآن باید برای بهره‌مندی از قرآن با تمام وجود از شیطان که قاطع طریق انسان‌هاست، به خدای رحمان پناه ببرد و با گفتن «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم»، ظاهراً و باطناً از شیطان دوری کند و به الله پناه ببرد. الله محل امن چنین قاری قرآنی باید باشد.

امام (ره) می‌فرماید: «خود این استعاذه، یعنی پناه بردن به خدا، آدابی دارد.»

الف) اخلاص

یکی از آداب استعاذه، اخلاص است. وقتی قلب انسان خالص و فقط متوجه کمال مطلق شد، آن وقت انوار جمال الهی که خداوند در طینت آدم به ودیعه نهاده است، در آینه قلبش ظهور می‌کند. سپس این خلوص از باطن به ظاهر اعمال او سرایت می‌کند. در نتیجه، چنین انسان خالصی خودش را در حصن خداوند قرار می‌دهد و تحت تربیت حضرت حق قرار می‌گیرد و از ولایت و سرپرستی شیطان مصون می‌شود. قاری خودش را از شیطان و جنودش دور می‌کند و تحت تصرف الله قرار می‌گیرد و از مکر و حيله شیطان رها می‌شود. باید توجه داشت که وقتی می‌گوییم: «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم»، این محتوا در قلبمان خطور می‌کند.

ب) رسیدن به توحید افعالی

انسان مؤدب به آداب قرائت قرآن، باید قلب خود را متذکر این حقیقت بکند که مالک حقیقی خداوند است. نتیجه این تذکر آن می‌شود که چشم طمع از سایر موجودات می‌بندد و فقط خدا را قدرت مطلق می‌داند. «لامؤثر فی الوجود الا الله» را باور می‌کند و فقط خدا را در وجود و هستی مؤثر می‌بیند. خانه قلب خودش را به صاحب‌خانه وامی‌گذارد و تمام امور را تحت قدرت خداوند می‌بیند. به این ترتیب، جایی برای وسوسه

شیطان و فریب کاری اش باقی نمی ماند.

ج) ایمان

خداوند می فرماید: «الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور» [بقره ۲۵۷/۲]. یعنی سرپرستی و ولایت این گونه افراد را که اهل ایمان اند و برتر از عالمانند، خدا خود برعهده می گیرد. در نتیجه این افراد را از گزند و فتنه شیطان دور نگه می دارد و از همه مراتب ظلمت که غفلت و جهالت از مصادیق آن است، رهایشان می کند. آن ها را از ظلمت معصیت، سرکشی، عصبان، خودبینی، خودپسندی و خودمحوری و بالاخره از همه رذایل اخلاقی به سوی نور، سعادت، بندگی، ایمان، خدابینی و خدامحوری می کشاند. وقتی که چنین انسانی به این مقام راه یافت، آن وقت به مقام «توکل» که یکی از شاخه های «ایمان» است، دست پیدا می کند. همه امور را به خداوند قادر متعال می سپارد و حالت انقطاع از خلق برایش حاصل می شود. در این صورت، استعاذه او حقیقت پیدا می کند و از شر شیطان و جنودش به سوی خداوند و قدرت مطلق پناه می برد و با تمام وجود می گوید: «اعوذبالله من الشیطان الرجیم».

نتیجه آن که اخلاص در تمام مراتبش، چه در مراتب عمل و چه در مراتب بالاتر، و درک توحید فعلی - با مراتبش - کسب ایمان - با مراتبش - و رسیدن به مقام توکل، همه از آداب استعاذه است.

هم چنین، امام راحل (ره) برای استعاذه مفید چهار رکن را ذکر می کنند که عبارت اند از:

الف) مستعید (پناه برنده)

مستعید کیست؟ انسان زاهد، ابعاد و ساحات متفاوتی دارد. کدام ساحات انسان مستعید است؟ امام می فرمایند: «حقیقت انسان و جوهره انسان باید مستعید باشد.» در اربعین حدیث ایشان آمده است که: «انسان با عزم، جوهره انسانیتش شکوفا می شود. پس ما به صرف به دنیا آمدن و این رشد ظاهری، انسان - به تعبیر قرآن - نیستیم. اگر آن جوهره و حقیقت انسانی بیدار و متحقق شود، آن وقت مستعید می تواند پناه ببرد از شیطان به خدای بزرگ. به این ترتیب، تا وقتی که انسان گرفتار طبیعت و نفس است و به سیر و سلوک نپرداخته، نمی تواند مستعید باشد.»

ب) مستعاذمنه

ما باید از شر چه کسی پناه ببریم؟ امام می فرمایند: «این از شیطان است که به وسیله گشودن دام های رنگارنگ بر سر راه انسان، او را از مسیر هدایت بازمی دارد و مانع طریق انسان می شود.»

ج) مستعاذ به

باید به چه کسی پناه ببریم؟ وقتی دشمن را شناختیم و نسبت به خود هم شناخت پیدا کردیم، می گوییم «اعوذبالله»، زیرا «الله» ملجأ و پناهگاه سالکان است. چون این اسم جامع جمیع اسمای خداوند است و قاری قرآن در قلعه و دژ محکم الله خودش را از شر شیطان دور می کند.

د) مستعاذ له

غایت و هدف این استعاذه چیست؟ اصل این استعاذه برای انسان پناه برنده مطلوب به ذات است. یعنی این مطلوب

از سنخ کمالات و سعادت است. وقتی قاری به خدا از شر شیطان پناه برد، و استعاذه واقعی برایش محقق شد، کمالاتی نظیر سعادت های طبیعی، خرق عادات و کرامات، و... حاصل می شوند و غایت حقیقی وصول به مبدا مطلق، جمال و کمال مطلق و آینه خدایشن است.

در نتیجه، استعاذه حقیقی، جستن بالاترین، مهم ترین و پربرترین ادب باطنی تلاوت قرآن کریم است که نیل به آن می تواند بقیه آداب را با سرعت بیشتری محقق سازد و رعایت آن ها برای قاری حقیقی

قرآن، راحت تر و سهل الوصول تر باشد.

از این دشمن مشو غافل که ناگاه کمین بگشوده آید بر سر راه به دامش افتی و بدنام گردی چه بدنامی که دشمن کام گردی

قاری باید با تفکر در آیات شریفه، مراتب سلامت نفس و روح را تا منتهی الیه آن که نیل به حقیقت قلب سلیم است، به دست آورد

۲. بسمله

یعنی آغاز کلام الهی بالفظ مقدس «بسم الله الرحمن الرحيم». مردم معمولاً هنگامی که می‌خواهند کاری را شروع کنند، آن را به نام شخصیت برجسته‌ای افتتاح می‌کنند. به این منظور که آن کار به وسیلهٔ این عمل، فرخنده و میمون شود، یا برای این که یادبودی از آن شخصیت بزرگ باشد.

خداوند متعال نیز کلام بزرگ خود را به این روش آغاز کرده و آن را به نام نامی خود افتتاح فرموده است، تا معنای کلماتش به آن نام مربوط و نشانه‌ای از آن داشته باشد. ضمناً، سرمشقی برای بندگان باشد تا کردار و گفتار خود را به نام مقدسش شروع کنند و اعمال آن‌ها

نشانه‌ای از حق و هم برای او بوده باشد و به این وسیله، فنا و نقصان به آن راه نیابد. زیرا به نام خداوندی آغاز شده است که زوال و نیستی به دامان کبریای او دراز نمی‌شود.^{۱۰}

هدف اصلی قرآن کریم، هدایت و سوق بشر به سعادت است. روی همین اصل، تمام سوره‌های قرآن به جزء توبه که آن هم دلیل خاص خود را دارد با بسم‌الله آغاز می‌شوند تا از آغاز تا انجام، با موفقیت و پیروزی و بدون شکست انجام شود.^{۱۱}

حضرت امام (ره) در آثار خویش در مورد کلمه طیبه

بسم‌الله این‌گونه بیان داشته‌اند: «بسم‌الله در هر سوره غیر از بسم‌الله در سوره دیگر است.»^{۱۲} که در هر سوره متعلق به خود آن سوره است. مثلاً بسم‌الله سوره مبارکه «حمد» متعلق به حمد است، زیرا هر قول و عملی که از انسان صادر می‌شود، به قیومیت اسم الهی است.

در کتاب «شرح دعای سحر» امام که در اوج قله‌های رفیع عرفان است، به مطلب بسیار عرفانی و ملکوتی برمی‌خوریم.

ایشان در مورد حقیقت بسم‌الله بر استاد عرفان خود، حاج میرزا جواد ملکی تبریزی ایراد می‌گیرند و این مصداق همان آیه شریفه «السابقون السابقون...» است که امام بر استادان خویش نیز پیشی گرفته‌اند. حاج میرزا جواد تبریزی، در کتاب «اسرار الصلوه» خویش عنوان می‌دارند: «بسم‌الله یک آیه است که در اول هر سوره نازل شده و با نزولش در هر سوره، حقیقتش اختلاف پیدا نمی‌کند و بسم‌الله سوره حمد مثلاً همان بسم‌الله سوره اخلاص است و تنها از آن جهت که چند مرتبه نازل شده، لازم نمی‌آید که در خواندنش بسم‌الله همان سوره را که می‌خواهی بخوانی، قصد کنی.»

حضرت امام (ره) در این باره می‌فرمایند: «این سخن از آن بزرگوار غریب است. زیرا حقیقت بسم‌الله در آغاز سوره‌ها با هم اختلاف دارند، بلکه بسم‌الله گفتن بر حسب اختلاف اشخاص مختلف است و بلکه گفتن بسم‌الله از شخص واحد به حسب اختلاف حالات و مقاماتش مختلف است و در هر مقامی، گفتن بسم‌الله حقیقتی مخصوص به آن مقام دارد.»^{۱۳}

آیت‌الله حسن‌زاده آملی در کتاب ولایت تکوینی خویش در مورد بسم‌الله می‌گوید: «بسم‌الله عارف به منزله کن‌الله (جل جلاله) است و باید از بسم‌الله به روی انسان دری گشوده شود.»^{۱۴}

پی‌نوشت

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۱۶.
۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۲.
۳. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۵۴.
۴. وسایل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۲۰.
۵. مرآة العقول، ج ۱۲، ص ۱۰۹.
۶. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۶۳.
۷. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۱۶.
۸. اسرار الصلوه، ص ۱۱۵.
۹. استعاذه: یعنی پناه گرفتن و شیطان عبارت از هر متمرّدی از انس و دواب (چهارپا و...) و جانّ (جن) است.
۱۰. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۳.
۱۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۳.
۱۲. تفسیر سوره حمد، ص ۴۰، شرح دعای سحر، ص ۱۵۹، سرالصلوه، ص ۸۸.
۱۳. شرح دعای سحر، ص ۱۶۱ تا ۱۶۳.
۱۴. سیمای نماز در آثار علامه حسن‌زاده آملی، عباس عزیزی، ص ۱۳۶.

منبع

۱. سرّ الصلوه. امام خمینی (ره). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). ۱۳۸۷.
۲. امام در سنگر نماز، ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۷.
۳. قرآن باب معرفت الله (مجموعه بیانات و نوشته‌های امام خمینی (ره) دربارهٔ قرآن) مؤسسه فرهنگی قدر ولایت. ۱۳۷۴.
۴. تفسیر سوره حمد. امام خمینی (ره). ترجمه علی اصغر ربانی خلخالی. ۱۴۰۰ هـ. ق.
۵. شرح دعای سحر. امام خمینی (ره). ترجمه سیداحمد فهري. انتشارات خیرخواه. ۱۳۵۹.
۶. فصل نامه بیانات. سال یازدهم. شماره ۲. تابستان ۱۳۸۳.
۷. سیمای نماز در آثار علامه حسن‌زاده آملی. انتشارات نبوغ. چاپ دوم. ۱۳۸۷.